عذر خواهی کردن

عذرخواهی چیزی است که کسی می گوید تا نشان دهد که متاسف است.

دختر پس از مشاجره با معلم خود، عذرخواهی برای معلم نوشت.

جسور

اگر کسی جسور باشد ، از انجام کاری نمی ترسد.

مرد جسور از کوه بلند بالا رفت.

گرفتن

دستگیری کسی یا چیزی به معنای گرفتن اوست.

جیمز سعی کرد حبابهای دستش را بگیرد.

اصلی

اگر یک قاعده یا کیفیت اساسی باشد ، مهمترین آن است.

بالا بردن دست در کلاس قبل از صحبت کردن یک قانون اساسی است.

دوک

دوک مردی با درجه اجتماعی بالا اما درجه ای پایینتر از پادشاه یا ملکه است.

دوک بر زمین فرمانروایی کرد.

در معرض گذاشتن

در معرض گذاشتن ، شناساندن چیزی است که پنهان است.

او پیراهن خود را در اورد تا لباس محلی اش را در معرض نمایش بگذارد.

گناهکار

اگر مردم احساس گناه کنند ، نسبت به کاری که انجام داده اند احساس بدی دارند.

من بخاطر گرفتن کلوچه های خواهرم احساس گناه کردم.

استخدام کردن

استخدام شخصی به معنای پرداخت پول به وی است تا بتواند برای شما کار کند.

ما مردی را استخدام کردیم تا خانه ی ما را رنگ آمیزی کند.

بی گناه

اگر کسی بی گناه باشد ، مجرم نیست.

قاضی گفت که این زن از جرم بی گناه است.

زندان

زندان مکانی است که مجرمان برای مجازات شدن می روند.

سارق را گرفتند و ده سال به زندان فرستادند.

وزیر

وزیر یک شخص مهم در دولت است که وظایف زیادی دارد.

وزیر آموزش و پرورش مدارس کشور را کنترل می کند.

معمولی

اگر کسی یا چیزی معمولی باشد ، به هیچ وجه خاص نیست.

امروز فقط یک روز عادی بود. هیچ چیز غیر عادی اتفاق نیفتاده است.

دائمی

اگر چیزی دائمی باشد ، برای مدت طولانی یا برای همیشه طول می کشد .

ما نمی دانیم که دیدار عمه میلدرد یک دیدار دائمی خواهد بود یا خیر.

حفظ کردن

حفظ چیزی محافظت ان در برابر آسیب است.

پدر برای کمک به حفظ ظاهر خانه ، یک ماده شیمیایی به ان پاشید.

تلفظ کردن

تلفظ گفتن اصوات حروف یا کلمات است.

کودکان خردسال اغلب در تلفظ صحیح کلمات مشکل دارند.

شبیه شدن

شباهت به کسی شبیه به او بودن است.

کودک بسیار شبیه پدرش است.

علامت

علامت یک وضعیت بد یا بیماری ، نشان وقوع آن است.

عطسه و تب شدید از علائم سرماخوردگی است.

تنباکو

تنباکو گیاهی است که برگهای آن دود می شود ، مانند سیگار.

تنباکو موجود در سیگار برای سلامتی شما مضر است.

دوقلو

دوقلوها دو فرزند هستند که همزمان به دنیا می آیند.

من و خواهرم دوقلو هستیم. ما دقیقاً یکسان به نظر می رسیم.

جادوگر

جادوگر زنی است با قدرت جادویی.

مردم فکر می کنند جادوگران روی جاروها پرواز می کنند.

یک دوک متوسط توتون و تنباکو پرورش می داد و قاعده اصلی او این بود که همیشه گیاهان را سالم نگه دارد. وزیر ارشد دوک برادر دوقلوی او بود. آنها بسیار شبیه یکدیگر بودند. یک روز ، گیاهان تنباکو شروع به مردن کردند. او مردانی را برای مراقبت مزارع استخدام کرد. به زودی ، مردان زنی را نزد او آوردند و گفتند: "ما یک جادوگر را اسیر کردیم!"

دوک پرسید ، "از کجا می دانی؟"

"او کلمات جادویی را می خواند. نمی توانم آنها را تلفظ کنم. او ما را نفرین کرده است. مرگ گیاهان از علائم نفرین اوست. "

"من فقط یک زن معمولی هستم. من آهنگی را به زبان دیگری می خواندم. ”زن اعتراض کرد.

دوک گوش نداد. "شما مقصر هستید. شما به زندان خواهید رفت. "

وزیر فکر کرد که او بی گناه است. او نیاز داشت واقعیت را فاش کند. او از دوک خواست که یکی از گیاهانش را به او قرض دهد. از نزدیک نگاهش کرد. او صدها حشره کوچک را دید که آن را خوردند! سپس وزیر به زندان رفت و کاری جسورانه انجام داد. وی گفت: "این زن را رها کن"

نگهبانان فکر کردند او دوک است. آنها او را رها کردند وزیر گفت: "من به شما عذرخواهی طلبکارم."

"متشکرم. فکر کردم ماندن من در زندان دائمی است. ”زن جواب داد.

وزیر فکر کرد که دوک او را مجازات خواهد کرد. اما او این کار را نکرد دوک بیش از حد مشغول تلاش برای حفظ گیاهان خود بود.